

تحلیل چرایی ناکامی کشورهای عربی منطقه خلیج فارس در حل و فصل اختلافات ارضی و مرزی فی ما بین

احسان یاری^۱

وحید عبدعلیپور^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۱۰/۰۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۰۱/۲۲

چکیده

مقاله حاضر با هدف بررسی چرایی ناتوانی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس در دست یابی به یک راه حل جامع و کامل برای پایان بخشیدن به اختلافات ارضی و مرزی نوشته شده است. گرچه کشورهای عربی این حوزه در دهه‌های گذشته گام‌هایی جدی برای پایان بخشیدن به این اختلافات برداشته‌اند، اما این اقدامات مؤثر نبوده و ویژگی اختلافات ارضی و مرزی در این منطقه پایداری آنهاست. این واقعیت معلول عوامل چندی، از جمله تحمیلی بودن مرزها، کشف نفت و منابع انرژی، موقعیت استراتژیک برخی مناطق یا جزایر، تمایلات توسعه طلبانه دولت‌های منطقه در قبال یکدیگر، دخالت قدرت‌های فرا منطقه‌ای و می‌باشد. استدلال اصلی این مقاله آن است که از بین عوامل مذکور، دو عامل تمایلات توسعه طلبانه کشورهای منطقه در قبال یکدیگر و موقعیت استراتژیک مناطق مورد مناقشه، نقش محوری را در ایجاد بن‌بست اختلافات مرزی در منطقه ایفا می‌کنند و تا زمانی که رقابت‌های توسعه طلبانه و منافع حاصله از موقعیت استراتژیک مناطق مورد مناقشه برای دولت‌ها همچنان پررنگ باشد، نمی‌توان آمیدی به بهبود کامل اختلافات ارضی و مرزی در منطقه داشت.

واژه‌های کلیدی: مرز، اختلافات مرزی، کشورهای عربی، خلیج فارس، توسعه طلبی.

۱- استادیار علوم سیاسی و مطالعات منطقه‌ای دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول) e.yari22@gmail.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای (گرایش خلیج فارس) دانشگاه شیراز

۱- مقدمه

دارند و حتی تشکیل شورای همکاری خلیج فارس در اوایل دهه ۸۰ میلادی میان شش کشور این حوزه، نتوانسته از میزان اختلافات و زدوخوردهای مرزی بکاهد و اکثر این اختلافات تا به امروز لاینحل باقی مانده است. «حضور استعمار کهنه انگلستان در منطقه و نقش اصلی آن در ایجاد اختلافات ارضی و مرزی با استفاده از مرزبندی‌های سیاسی منطقه نظیر کویت و عراق، بحرین و قطر، شیخ‌نشین‌های هفت گانه امارات متحده عربی و غیره تاکنون به عنوان یک منشاء اولیه در ایجاد و توسعه اختلافات ارضی و مرزی کشور های منطقه عمل کرده است. چنین است که با کمال تعجب تمامی کشورهای خلیج فارس با یکدیگر اختلافات ارضی و مرزی دارند، تا آنجا که می‌توان گفت در هیچ منطقه‌ای از جهان به میزان خلیج فارس اختلافات ارضی و

مرزی وجود ندارد» (Mojtahedzadeh, 1999: 141).

در این مقاله ما سعی داریم به این پرسش پاسخ دهیم که: عوامل اصلی که باعث گردیده است کشورهای عرب منطقه خلیج فارس در حل و فصل اختلافات مرزی میان خود ناکام باشند، کدامند؟

در پاسخ به سؤال بالا فرضیه‌های پژوهش به این صورت مطرح می‌شود:

۱- اهداف و مقاصد توسعه طلبانه کشورهای عربی حوزه خلیج فارس در قبال یکدیگر مهمترین عامل اختلافات و کشمکش‌های مرزی و ناتوانی در دستیابی به یک راه‌حل نهایی برای حل و فصل اختلافات مرزی است.

۲- موقعیت استراتژیک مناطق مورد مناقشه به لحاظ کشف و استخراج نفت یا به لحاظ نظامی مانعی مهم در به سرانجام رسیدن مذاکرات مربوط به تعیین خطوط مرزی بوده است.

۲- بحث نظری

۲-۱- مرز و سرحد

در گذشته مرز به صورت یک خط مفهوم نداشت. در آن زمان منطقه پهناوری را که حدفاصل میان دو امپراتوری بود، منطقه سرحدی می‌خواندند؛ به عبارت دیگر، چون

اختلافات مرزی و توسعه طلبی ارضی همواره از دوران‌های کهن میان کشورها و جوامع محلی وجود داشته و عامل اصلی در ایجاد جنگ و ستیز در میان آنها بوده است، در این میان اولین گام برای تثبیت مرزها در اروپا و با انعقاد معاهده وستفالی در ۱۶۴۸م برداشته شد که طی آن مرزهای سرزمینی میان کشورهای اروپایی به رسمیت شناخته شد. اما اختلافات مرزی و کشمکش‌ها به طور کامل از میان نرفت، پروژه تثبیت مرزها و حل اختلافات مرزی در اروپا حتی پس از جنگ جهانی دوم نیز کامل نگردید و تا فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ادامه یافت. اکنون اروپا دارای مرزهایی تقریباً تثبیت شده است و کشمکش‌های مرزی به جز در مواردی نادر آن هم در بخش شرقی به چشم نمی‌خورد.

در نقطه مقابل منطقه خاورمیانه عربی قرار دارد که شکل کلی سیاسی آن بعد از جنگ جهانی اول و توسط دول پیروز ترسیم گردید. در این منطقه ما شاهد کشمکش‌های بیشماری در زمینه مسائل ارضی و مرزی هستیم، به گونه‌ای که رئیس جمهور حافظ اسد (رئیس جمهور سابق سوریه) در سخنرانی خود در سال ۱۹۸۰ می‌گوید: «اگر ما نظری به میهن عربی خود از منتهی‌الیه شرقی به منتهی‌الیه غربی بیفکنیم، به سختی می‌توانیم یک دولت عربی پیدا کنیم که اختلاف مرزی نداشته باشند.» (ولدانی، ۱۳۷۴: ۲۹) این اختلافات مرزی تا به امروز همچنان به قوت خود باقیست، به گونه‌ای که حتی اتحادیه عرب نیز در حل و فصل آنها ناکام بوده است.

در این میان در خلیج فارس وضعیت شدیدتر است. این منطقه از زمان پیدایش کشورهای حاشیه جنوبی آن، همواره صحنه کشمکش‌ها و منازعات زیادی بوده، که اشغال کویت توسط عراق و درگیری مرزی قطر و عربستان از نمونه‌های متأخر آن بوده است. تقریباً تمامی کشورهای عرب این منطقه با یکدیگر اختلافات مرزی دارند و این یک واقعیت است که کشورهای عربی منطقه خلیج فارس بیش از سایر کشورهای عربی منطقه خاورمیانه اختلافات مرزی

جدول ۱: مرز از دیدگاه اندیشمندان

منبع	تعریف	محقق
(میرحیدر، ۱۳۸۰: ۱۱۴)	مرز به پدیده فضایی گفته می‌شود که منعکس کننده قلمرو حاکمیت سیاسی یک دولت بوده و مطابق قواعد خاص در مقابل حرکت انسان، انتقال کالا یا نشر افکار مانع ایجاد می‌کند. مهمترین کارکرد مرزها، ایجاد مانع در برابر حرکت انسان، کالا و تفکرات است	دره میرحیدر
(حافظ‌نیا، ۱۳۷۹: ۱۹۰)	مرز عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشکل سیاسی یا کشور از دیگر واحدهای مجاور است. به عبارت دیگر، مرز جداساز قلمرو فرمانروایی دو نظام سیاسی است	محمد رضا حافظ‌نیا
(مجته‌زاده، ۱۳۷۹: ۳۱)	انسان برای مشخص ساختن پیرامون جولانگاه خود، آنگونه که با گستره جولانگاه همسایه تداخل نیابد ناچار به تعیین خطوطی قراردادی در بخش پیرامون محیط زیست یا قلمرو خود است. گونه گسترش یافته این مفهوم خط پیرامونی است که بخش پایانی جولانگاه یک دولت را مشخص می‌سازد و جنبه سیاسی پیدا کرده است، و مرز خوانده می‌شود	پیروز مجته‌زاده
(مویر، ۱۳۷۹: ۲۸۱)	مرزها در جایی بوجود می‌آیند که فصل مشترک عمودی میان حاکمیت‌های کشوری از سطح زمین می‌گذرد	مویر
(دروئو، ۱۳۷۴: ۷۰)	مرز می‌تواند حدی باشد که دو ارتش در حال جنگ را در دو سوی یک جبهه نظامی عملاً از هم جدا کند	ماکس دروئو
(رحمتی‌راد، ۱۳۷۴: ۱۳)	مرز، یعنی حدود و ثغور حاکمیت کشور، مهمترین عامل تشخیص و جدایی کشور از کشورهای همسایه، عامل بوجود آورنده وحدت سیاسی یا طبیعی و انسانی در کشور، بزرگترین عامل امنیت و استقلال و آخرین حد قلمرو یک کشور	رحمتی‌راد
(Glassner, 1993: 75)	مرز یک خط نیست بلکه یک سطح است، خطی (سطحی) عمودی که از طریق فضا، خاک و زیر زمین کشورهای همسایه را از یکدیگر جدا می‌کند. این سطح در روی زمین به صورت یک خط به نظر می‌رسد	مارتین گلاس‌نر
(Taylor, 1991: 145)	مفهومی با نگاه از بیرون به درون است که افتراق و جدایی را نشان می‌دهد	پیتر تیلور
(درایسدل و بلیک، ۱۳۷۴: ۱۰۱)	مرز به پدیده فضایی اطلاق می‌گردد که منعکس کننده قلمرو حاکمیت سیاسی یک دولت بوده و مطابق قواعد خاصی در مقابل حرکت انسان، انتقال کالا و غیره مانع ایجاد کند	درایسدل و بلیک
(Perescott, 1987: 13)	مرز به یک خط اشاره دارد و سرحد اشاره به یک ناحیه یا محدوده مرزی دارد	پرسکات

مأخذ: (تالیفات و همکاران، ۱۳۸۷ و طاهرخانی، ۱۳۸۷)

دیگر است و خطوط مرزی خطوطی اعتباری و قراردادی هستند که به منظور تحدید حدود یک واحد سیاسی بر روی زمین مشخص می‌شوند. (میرحیدر، ۱۳۸۷: ۱۶۱) انسان برای مشخص ساختن پیرامون جولانگاه خود، آنگونه که با گستره جولانگاه همسایه تداخل نیابد، ناچار به تعیین خطوطی قراردادی در بخش پیرامون محیط‌زیست یا قلمرو خود است. گونه گسترش یافته این مفهوم، خط پیرامونی است که بخش پایانی جولانگاه یک ملت را مشخص می‌سازد و جنبه‌ای سیاسی پیدا کرده و «مرز» خوانده می‌شود (مجته‌زاده، ۱۳۷۹، ۳۱).

در کل می‌توان گفت تفاوت‌های میان مرز و سرحد به این شکل است؛ سرحد (frontier) از مفهوم حد جلو (in front)

مرزها در گذشته به طور دقیق روشن و مشخص نبودند، به عنوان سرحد یا منطقه مرزی مشهور بودند. ولی با گذشت زمان و با پیشرفت در تکنیک‌های مساحی، توپوگرافیک و کارتوگرافیک و وسایل اطلاعاتی مورد نیاز برای تعیین دقیق مرز، حدود کشورها به طور دقیق تعریف، مشخص و نشانه‌گذاری شدند و در نتیجه امروزه مفهوم مرز جایگزین سرحد شده است (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹، ج ۱: ۱۹۰). مرزهای بین‌المللی مهمترین عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشکل سیاسی فضایی از واحدهای مجاور خود می‌باشند. در مورد مفهوم مرز تعاریف متعددی وجود دارد که از ابعاد مختلف به آن پرداخته‌اند (جدول شماره ۱). مرزهای سیاسی مهمترین عامل تشخیص و جدایی یک واحد سیاسی از واحدهای

گرفته شده، در حالی که مرز (boundary) از مفهوم محدوده‌ها

(bounds) مشتق گردیده است؛ سرحدات منطقه‌ای و مرزها خطی هستند. سرحد حالت نگاه به بیرون را دارد و مرز حالت محدود کردن در درون را؛ مرز خط مشخص کردن جدایی (دو کشور) است. سرحد منطقه برخورد (دو قدرت) می‌باشد. سرحدات پدیده‌هایی مربوط به گذشته هستند، در حالی که مرزها به زمان حال تعلق دارند. (زرقانی، ۱۳۸۶: ۲۶)

سرحدات و مرزها به عنوان یک عنصر فضایی، به لحاظ تاریخی، مراحل تکاملی را پشت سر گذاشته‌اند. طی این مراحل به تدریج مناطق سرحدی از نقشه سیاسی جهان محو شده و با توجه به استقلال کشورها، تشکیل دولت‌های ملی و برجسته شدن هویت‌های ملی، مرزهای مشخص و دقیق جای سرحدات قدیم را گرفتند و تفکیک کننده واحدهای سیاسی از هم شدند. از سوی دیگر با گذر زمان کارکرد مرزها نیز دچار تحول و دگرگونی شده است؛ به نحوی که به تدریج از اهمیت کارکرد امنیتی-دفاعی مرزها کاسته شده و کارکرد ارتباطی-تجاری مرزها از اهمیت و ارزش بیشتری برخوردار شده است. هرچند در برخی از مناطق و در برهه‌ای از زمان به دلیل وجود شرایط خاص مکانی و زمانی هنوز کارکرد امنیتی-دفاعی مرزها از اهمیت و جایگاه والاتری برخوردار است (زرقانی، ۱۳۸۶: ۲۶).

در این راستا هر مرزی در زمان شکل‌گیری دارای شرایط خاص و منحصر به فردی است که نسبت به مرزهای دیگر فرق می‌کند. برخی از مرزها دارای تاریخچه و پس زمینه‌هایی چالش‌زا و خشونت‌آمیز، تحمیلی، استعماری و... هستند. از سوی دیگر برخی مرزها دارای تاریخچه نسبتاً مسالمت‌آمیز بوده و بیشتر توافقی، مطابق با چهره‌های طبیعی و انسانی و... هستند (افشردی و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۵).

۲-۲- اختلافات مرزی و انواع آن

امروزه کمتر منطقه‌ای را در سطح جهان می‌توان یافت که در آن اختلافات مرزی بین کشورها وجود نداشته باشد. اختلافات و درگیری‌های مرزی را می‌توان به چند دسته

کلی تقسیم کرد:

۱- **اختلافات مکانی:** به اختلافی گفته می‌شود که بر سر مکان دقیق مرز ایجاد شده باشد. ممکن است این اختلاف ناشی از تفسیرهای گوناگون و بعضاً متضاد از اسناد گوناگونی باشد (اختلاف ایران و عراق بر سر مرز اروند)، یا تغییر مکان مرز طبیعی (اختلاف ایران و افغانستان بر سر رود هیرمند) در ایجاد آن نقش داشته باشد.

۲- **اختلافات بر سر قلمرو:** به اختلافات ارضی نیز موسوم‌اند، زمانی بروز می‌کند که دو کشور همسایه مدعی حاکمیت یک قلمرو مرزی باشند. معمولاً دلایل تاریخی، جغرافیایی و امنیت ملی اساس این ادعاها را تشکیل می‌دهد. مانند اختلاف عربستان سعودی و امارات متحده عربی بر سر واحه بوریمی، امارات متحده عربی و عمان بر سر قسمت‌هایی از رأس الخیمه و عجمان و اختلاف مصر و سودان در مورد وادی حلفا (مجتهدزاده، ۱۳۷۹، ب: ۴۳۶).

۳- **اختلافات عملکردی:** به اختلافاتی گفته می‌شود که در مورد نحوه اداره و عملکرد مرزها بین دو کشور بروز می‌کند. مرز به عنوان یک مانع در برابر حرکت انسان‌ها و جابه‌جایی کالاها علاوه بر مشکلاتی که در بهره‌برداری از منابع و مدیریت آنها به وجود می‌آورد، گاهی باعث بروز اختلافات بین دو دولت می‌شود. (درایسدل و بلیک، ۱۳۸۶: ۱۲۲).

این گونه اختلافات خود به سه دسته تقسیم می‌شوند که عبارتند از: اختلافات در مورد تشریفات عبور قانونی از مرز، اختلافات در مورد تشریفات عبور غیر قانونی از مرز و اختلافات ناشی از بروز مشکلات و مسائل محلی در مرزها.

۴- **اختلافات ناشی از استفاده مشترک از یک منبع اقتصادی:** این نوع اختلافات مرزی زمانی مطرح می‌شود که طرفین نمی‌توانند در مورد استفاده و تقسیم منابع اقتصادی موجود در منطقه مرزی به توافق برسند.

در مورد چهار گونه اختلافات مرزی (قلمروخواهی، موقعیتی، کارکردی و بهره‌برداری از منابع)، دو نمونه اول به طور حتم با جابجا شدن مرز حل می‌شوند. اما نوع سوم و چهارم اختلاف مرزی را می‌توان از طریق ایجاد سازمانی

رقابت‌های ژئوپلیتیکی دو ابر قدرت در دوران جنگ سرد نهفته بود تا در اختلافات واقعی دو کشور.

از سوی دیگر نحوه حل اختلافات مرزی، نتایج جغرافیایی متفاوتی به همراه خواهد داشت. اصولاً اگر اختلافات مرزی با توافق و رضایت کامل دو کشور به طور دایم به حل و فصل بینجامد، این امر منجر به افزایش تعاملات مرزی و رشد و شکوفایی منطقه به لحاظ اقتصادی خواهد شد. اما اگر اختلافات مرزی به صورت موقت و با رضایت نسبی طرفین یا یکی از دو کشور حل شود، این مسئله مانند آتش زیر خاکستر باقی مانده و نه تنها در افزایش تعاملات مرزی نقش چندانی نخواهد داشت، بلکه با کوچکترین تنش بین دو کشور، بار دیگر این اختلاف مرزی خود را نشان داده و باعث درگیری دو کشور می‌شود. (میرحیدر، ۱۳۱۹: ۱۷۲)

۳- یافته‌های تحقیق و تحلیل آن

۳-۱- روند تکوین مرزهای منطقه

فروپاشی امپراطوری عثمانی و دوره بین پایان جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۸م. و آغاز جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۳۹م. دورانی بسیار مهم برای خاورمیانه محسوب می‌شود، به گونه‌ای که پیامدهای آن تا به امروز یعنی با گذشت بیش از نیم قرن هنوز بر این منطقه سایه افکنده است. آنچه در این دهه‌های سرنوشت ساز رخ داد، سرنوشت تمامی ملت‌ها را تغییر داد، کشورهای جدیدی ایجاد کرد، حاکمیت آشکار اروپاییان را بر منطقه در پی داشت و باعث ترسیم و تغییر دوباره مرزهای ملی و پیدایش سلسله‌های جدید شد (کامروا، ۱۳۱۲: ۵۵).

در این میان قدرت‌های اروپایی نقش اصلی را به عهده داشتند. در جنگ جهانی اول، امپراطوری عثمانی به قدری ضعیف شده بود که قطعه قطعه شدن سرزمین آن توسط اروپاییان از پیامدهای حتمی آن به شمار می‌رفت. البته نقش کشورهای رقیب به ویژه دولت انگلیس در این زمینه انکارناپذیر است. قیام نظامی اعراب در حجاز با تشویق انگلیسی‌ها شروع و مقدمه‌ای برای فروپاشی امپراطوری رو

برای نظارت و کنترل مرزی و نیز نظارت بر بهره‌برداری از منابع مشترک حل و فصل کرد. حل و فصل صلح‌آمیز منازعات سرزمینی خشونت‌آمیز نیازمند رویکرد سه‌وجهی صلح‌سازی، حفظ صلح و تثبیت صلح است (Harbottle, 2002: 40).

۳-۲- عوامل مؤثر بر اختلافات مرزی

عوامل مختلفی بر اختلافات مرزی تأثیر می‌گذارند، این عوامل ممکن است در حل یک اختلاف مؤثر واقع شده و یا منجر به گسترش تنش و ایجاد درگیری گردند. برخی از این عوامل عبارتند از:

۱- اهمیت جغرافیایی منطقه مورد اختلاف برای یک یا دو کشور: اهمیت راهبردی منطقه مورد اختلاف برای یک یا دو کشور طرف منازعه به طور قطع باعث پافشاری دو کشور بر ادعاهای خود شده و حل بحران را بسیار مشکل می‌کند؛ به عنوان مثال اهمیت راهبردی کشمیر برای هند و پاکستان در ادامه بحران و اختلاف و به نتیجه نرسیدن طرح‌های صلح، نقش اساسی داشته است (زرقانی، ۱۳۱۶: ۱۲۹).

۲- میزان منافعی که یک یا دو طرف از نتیجه اختلافات مرزی می‌برند: به طور قطع وجود منافع مشترک برای دو طرف در حل اختلاف تأثیر دارد و سود بیشتر برای یک کشور در ادامه اختلاف مؤثر است.

۳- قدرت نسبی طرفین مورد اختلاف: بی‌شک در نظام ژئوپلیتیکی جهانی، کشوری که از قدرت ملی بالایی برخوردار است، قابلیت و توانایی آن را خواهد داشت که شرایط را به نفع خود تغییر دهد. از این رو میزان قدرت دو طرف مورد منازعه نقش مهمی در نحوه حل اختلاف مرزی دارد (زرقانی، ۱۳۱۶: ۱۳۰).

۴- چهارمین عامل مؤثر بر اختلافات مرزی، شرایط ژئوپلیتیکی جهانی است. وجود نظام‌های قدرت رقیب یا یک نظام تک قطبی، حاکم بودن فضای امنیتی- نظامی در جهان و ... از جمله عواملی است که می‌تواند در تشدید یا تخفیف اختلافات مرزی مؤثر باشد؛ به عنوان نمونه اختلافات مرزی ویتنام شمالی و جنوبی، آلمان شرقی و غربی و ... بیشتر در

استیلای بریتانیا قرار داشت، آخرین این قراردادها با قطر در سال ۱۹۱۶ بسته شد. این معاهدات به بریتانیا حق نظارت بر روابط خارجی امارات و مسئولیت برای حفظ امنیت آنها و غیره می‌داد. بنابراین این قدرت استعماری در راستای اهداف خود و تأمین امنیت منطقه به منظور جلوگیری از زد و خورد این شیخ‌نشین‌ها با یکدیگر و با همسایگان خود به خصوص عراق و عربستان که پس از پایان جنگ جهانی اول پا به عرصه وجود نهادند، به تعیین مرزهای منطقه پرداخت.

۲-۳- اختلافات ارضی - مرزی میان کشورهای عربی منطقه

در مورد اختلافات مرزی در سواحل جنوبی خلیج فارس اغلب گفته می‌شود که مرز در خلیج فارس مفهومی بیگانه است، این موضوع تا حدود زیادی حقیقت دارد. تعیین مرزهای دقیق به ندرت انجام شده، در حالی که بر روی نقشه‌های جغرافیایی و اطلس‌ها مرز بین کشورهای خلیج فارس با دقت ترسیم می‌شود، اما این امر گمراه کننده است. در واقع سرحدات بسیاری از کشورهای خلیج فارس به وسیله مناطق مرزی و نه خطوط مرزی مشخص می‌شوند. در این حدود جغرافیایی حاکمیت دولت‌ها به طور دقیق مشخص نشده است و اغلب با کم و زیاد شدن قدرت کشورها این خطوط در حال پیش روی هستند (جعفری ولدانی، ۱۳۷۴: ۱۲). شایان ذکر است که مفهوم اختلافات ارضی و مرزی یکسان نیستند. اختلافات مرزی ناشی از عدم توافق در مورد محل دقیق مرز است. اما اختلافات ارضی، اختلاف در مورد قلمرو است (محرابی و محکویی، ۱۳۸۱: ۵۵۸).

تعیین خطوط مرزی اصولاً در دو مرحله صورت می‌گیرد. در مرحله اول تعیین حدود انجام می‌شود، در این مرحله مسیر خطوط مرزی بر روی نقشه مشخص و در قرارداد ذکر می‌شود. مرحله دوم علامت‌گذاری است که طی آن خط مرزی بر روی زمین براساس آنچه در قرارداد آمده علامت‌گذاری می‌شود. از ده مرز زمینی منطقه خلیج فارس

به اضمحلال عثمانی شد (حمیدی، ۱۳۸۱: ۱۷). حفظ سلطه بر هند و حفظ کانال سوئز به عنوان نزدیکترین راه ارتباطی به هند و همچنین حفظ و دسترسی ایمن و آزاد به میدان‌های نفتی تازه کشف شده در خلیج فارس، از اهداف دیپلماسی انگلیس در خاورمیانه بود (کامرو، ۱۳۸۲: ۵۷-۵۶).

در خاورمیانه مرکزی مداخله قدرت‌های اروپایی بیشترین تأثیر را بر روی نقشه سیاسی منطقه گذاشت و آن به وجود آمدن کشورهایی مثل سوریه، عراق، اردن و لبنان و بعدها فلسطین اشغالی بود. اروپاییان با تعیین خطوط مرزی دایمی خیلی عمیق‌تر از یک طرح کلی پیش رفتند و در نتیجه باعث بروز مسائل محلی میان دولت‌های همسایه شدند. مرزهای تحمیلی باعث شد تا مدت‌ها کشورهای تازه تأسیس در تعریف موجودیت خود به عنوان یک واحد سیاسی مستقل و طی فرایند دولت‌سازی و ملت‌سازی با سردرگمی مواجه شوند (درایسدل و بلیک، ۱۳۸۶: ۲۴۴).

قدرت‌های اروپایی هنگام ورود به منطقه خلیج فارس لازمه‌های کشور بودن در مفهوم غربی آن که داشتن یک پایتخت، یک پرچم، یک نظام قانونی و مرزهای مشخص شده از ویژگی‌های بارز آن است، را ایجاد کردند (Owen, 1992: 11-22). با وجود آنکه قبل از رسیدن اروپایی‌ها، بومیان ساختار و نظم سیاسی خاص خود را داشتند، از دید اروپایی‌ها کرانه‌های جنوبی خلیج فارس صرفاً سرزمین‌هایی بی‌صاحب بودند. در کنار تلاش برای ایجاد یک سرزمین مادری، موضوعی که از اهمیت یکسان با آن برخوردار بود، مسأله ایجاد انسان جدید، یعنی انسان ملیت یافته، بود (Bacik, 2008: 22-26).

بنابراین مفهوم مرزهای مشخص و ثابت در این منطقه یک مفهوم بومی نیست و در واقع مرزها یک نیاز کاربردی بوده‌اند و قدرت‌های غربی با برآورد ضرورت ترسیم مرزها و بر اساس آگاهی‌شان از منابع سرزمین‌های اعراب، مرز کشورها را ترسیم می‌کردند (Faindlay, 1994: 2-3).

از قرن نوزدهم به واسطه قراردادهای تحت‌الحمایگی که بریتانیا از اوایل این قرن بر شیخ‌نشین‌های سواحل جنوبی خلیج فارس تحمیل کرده بود، منطقه به طور کامل تحت

اصلی تداوم اختلافات، موارد و مسائل اختلافی فی مابین را مورد کنکاش قرار می دهیم.

۳-۲-۱- اختلاف بین عربستان سعودی، عمان و

ابوظبی بر سر واحه های بوریمی

نگاهی به تاریخ چند دهه ای کشور امارات متحده عربی نشان می دهد که این کشور نه تنها در داخل بلکه با کشورهای دیگر عربی از جمله عربستان اختلافات مرزی دارد (فکار نیوز، ۱/۲/۹۱). اختلاف بین عربستان سعودی، عمان و ابوظبی بر سر واحه های بوریمی یکی از مستندترین اختلافات ارضی در خلیج فارس است. واحه های بوریمی از ۹ روستا که جمعیت آنها تبار قبیله ای مخلوط دارند، تشکیل شده است (نقشه ۱). این واحه ها همچنین کانون مهمی برای قبیله های چادرنشین که عمدتاً متعلق به دو گروه بنی یاس و مناسیر بودند، به شمار می رفت. به عنوان یک مرکز مهم ارتباطی، بوریمی با قبیله های سراسر عربستان شرقی نیز ارتباط داشت. به طور سنتی، مرزهای سرزمینی در این منطقه اهمیت چندانی نداشته اند. آنچه مناسبات سیاسی را مشخص می کند تابعیت قومی است، نه سرزمینی. بدین سبب با پیدایش دولت های جدید همراه با جستجو برای کشف نفت، ضرورت تعیین خطوط مرزی که با تابعیت های پیچیده قبیله ای امکان حل آنها نبود، آشکار شد. با استفاده از تابعیت های قبیله ای ابوظبی، عمان و عربستان سعودی می توانستند مدعی همه یا بخشی از واحه بوریمی شوند. در سال ۱۹۵۵ اختلاف اهمیت بین المللی یافت و آن زمانی بود که بریتانیا به نمایندگی از طرف حکام ابوظبی و عمان نیروهای خود را به منطقه اعزام داشت تا نیروهای سعودی را که از سال ۱۹۵۲ یکی از واحه ها را به اشغال خود در آورده بودند، بیرون برانند. بدون جلب موافقت عربستان سعودی، بریتانیا در ۱۹۵۵ از طرف ابوظبی یک خط مرزی تعیین کرد. در ۱۹۷۴ امارات متحده عربی و عربستان سعودی بر اساس مرزبندی ۱۹۵۵ به توافق رسیدند. نقشه های تفصیلی از این مرزها منتشر نشده، ولی ظاهراً مرز در سراسر طول ۵۱۵ کیلومتری آن، از خطوط مستقیم تشکیل شده است. در

تا سال ۲۰۰۰ یک مرز مرحله اول را طی نکرده بود که مربوط به مرزهای عربستان با یمن می شد که با توافقنامه جده در این سال این مرحله را گذراند. چهار مرز نیز مرحله اول را طی کرده، اما هنوز بر روی زمین علامت گذاری نشده اند. این مرزها عبارتند از: مرزهای عربستان با امارات متحده و قطر، مرز بین عمان و یمن و مرز بین عربستان و یمن که گرچه در سال ۲۰۰۰ تعیین حدود شده اما علامت گذاری نشده است. مرز بین عراق و کویت نیز تا قبل از اشغال کویت فقط مرحله اول را گذارنده بود، اما پس از آزاد سازی کویت، توسط کمیسیون سازمان ملل علامت گذاری شده است (جعفری ولدانی، ۱۳۷۴: ۱۳).

در مورد مرزهای دریایی، تا قبل از سال ۲۰۰۰ از حدود ۱۵ مرز دریایی میان کشورهای خلیج فارس، ۱۰ مرز به علت وجود اختلافات هنوز تعیین نشده بود که سه مورد آن مربوط به مرز ایران است که با کشورهای عراق، کویت و امارات می باشد. اگر ۷ شیخ نشین امارات متحده عربی را به صورت دولت واحدی در نظر بگیریم، در این صورت تا قبل از سال ۲۰۰۰ از ۸ مرز دریایی بین ۷ کشور عربی خلیج فارس، ۷ مرز به علت وجود اختلافات هنوز تعیین نشده بود. در این بین فقط مرز دریایی عربستان با بحرین تعیین حدود شده بود. امروزه سه مرز دریایی دیگر، عربستان و کویت در سال ۲۰۰۰، بحرین و قطر در سال ۲۰۰۱ و عربستان سعودی و قطر در خورالعیدید در سال ۲۰۰۸ تعیین شده است. می توان گفت که مرزهای دریایی نسبت به مرزهای زمینی از ثبات بیشتری برخوردار بوده اند. در این نوشتار به طور خاص تأکید بر مرزهای خشکی است.

در کل می توان گفت ویژگی اختلافات ارضی و مرزی در بین کشورهای خلیج فارس پایداری آنها است. در منطقه خلیج فارس، انعقاد قراردادهای مرزی بالاخص در مورد مرزهای خشکی به ندرت موجب حل و فصل نهایی این اختلافات می شود. تعداد قراردادهای منعقد شده بین دولت های خلیج فارس و نقض یا لغو مکرر آنها بیانگر این مسأله است. در ادامه به منظور بررسی دقیق تر و فهم دلیل یا دلایل

متحدۀ عربی و عربستان، اخیراً کشور امارات متحدۀ عربی ضمن ادعای مالکیت بر منطقۀ نفتی «العدید»، خواستار استفاده از نظر انگلیس و نقشه‌های این کشور برای تعیین مالک واقعی منطقۀ مورد مناقشۀ شده است. البته در مقابل عربستان سعودی ورود انگلستان به این مناقشۀ را نپذیرفته است. بر این اساس اماراتی‌ها با استناد به نقشه‌های انگلیس، از این کشور خواسته‌اند تا جهت تفسیر این نقشه‌ها وارد مناقشۀ ریاض و ابوظبی شود. (روزنامۀ رسالت، ۱۳۸۹/۷/۴)

لازم به توضیح است که گذرگاه خورالعدید دارای ذخائر نفتی فراوانی است که در امتداد خط ساحلی به طول ۲۵ کیلومتر به سواحل خلیج فارس در حد فاصل مرزهای خاکی ابوظبی و قطر، به خاک عربستان افزوده شده است که ۸۰ درصد ذخائر نفتی منطقۀ «خیز الشیبه» است و طبق برآوردها دارای بیش از ۱۵ میلیارد بشکۀ ذخایر قطعی نفت و حدود ۶۵۰ میلیون متر مکعب گاز طبیعی است.

گرچه می‌توان در تحلیل این اختلاف مجموعه‌ای از عوامل را نام برد، اما عامل اصلی که بیشتر نمایان است یکی تمایلات توسعه‌طلبانۀ عربستان نسبت به همسایگان در راستای سیاست یکپارچه‌سازی جزیرۀ العرب که از زمان عبدالعزیز بن سعود در این کشور در جریان بود و دیگری

این معاملۀ سعودی‌ها موفق شدند به ساحل خلیج فارس در شرق قطر دست پیدا کنند، در مقابل از هر گونه ادعای واحه‌های بوریمی صرف‌نظر کردند. یک میدان نفتی عمدۀ هم در دو طرف مرز باقی مانده است. خط مرزی ۱۹۷۴ در ۱۶۰ کیلومتری جنوب واحه‌های بوریمی قرار گرفته است. مرز بین عمان و ابوظبی طوری ترسیم شده که ۶ روستای بوریمی در طرف ابوظبی و ۳ روستا در طرف عمان بماند (درایسدل و بلیک، ۱۳۸۶: ۱۲۰).

در تاریخ ۲۲ فوریه ۲۰۰۵ میلادی اختلاف مرزی بین عربستان و امارات بر سر واحه‌های بوریمی جدی شد. مسئولین عربستانی معتقد بودند که امارات بر خلاف قرارداد «۱۹۷۴ جده» درباره مرزهای دو کشور عمل کرده است. (خبرگزاری فارس، ۱/۲/۹۱) در آگوست ۲۰۰۹ میلادی نیز عربستان در اقدامی غیرمنتظره تردد اتباع دو کشور را با کارت شناسایی ممنوع کرد. دلیل این واکنش عربستان ترسیم نقشه‌ای از کشور امارات بر روی کارت شناسایی شهروندان این کشور بود که با مرزبندی کنونی صورت گرفته توسط دو کشور و قرارداد مرزی سال ۱۹۷۴ مغایرت داشت (www.dur.ac.uk 26 August 2009).

علاوه بر این در پی تشدید اختلافات مرزی میان امارات



نقشه ۱: واحه‌های بوریمی مورد ادعای عربستان سعودی، عمان و ابوظبی

مأخذ: http://www.public.iastate.edu/~pol_s.251

edu/~pol_s.251

فصلنامه علمی - پژوهشی اطلاعات جغرافیایی (سپهر)
تحلیل چرایی ناکامی کشورهای عربی منطقه خلیج فارس ... / ۲۰۹

درگیری‌ها انتشار یافت. اتحادیه عرب رسماً خواهان گفتگو شد، اما گفتگو به نتیجه‌ای نرسید و در نوامبر ۱۹۷۴ نیروهای عراقی مجدداً در خاک کویت نفوذ کردند. این بار عراق اساساً ادعای خود را بر دو جزیره ورهبه و بویان تمرکز داد. مداخله اتحادیه عرب و گفتگوهای طرفین به توافقی در اوایل سال ۱۹۷۵ انجامید که بر اساس آن کویت امتیاز استفاده بازرگانی از بندر شعبیه و راه‌های ارتباطی میان آن بندر تا عراق را به صدام حسین داد. این امتیاز در جریان جنگ ۸ ساله عراق با ایران و بسته شدن شط العرب (اروندرو) سخت به یاری بغداد آمد (مجتهدزاده، ۱۳۸۲: ۲۳۷).

فروکش کردن جنگ با ایران و تجدید قوای عراق از یک سو و بدهی‌های چند میلیارد دلاری عراق، دولت بغداد را بر آن داشت تا استراتژی کهن ادعا بر کویت را تجدید نماید. این بار، ادعاهای کهن با انگیزه‌های نوینی در آمیخت، مانند ادعای دزدیده شدن نفت عراق توسط کویت و نقش کویت در کاهش بهای نفت. این امر باعث گردید عراق سراسر کویت را اشغال نماید. حمله و اشغال کویت، ۶ ماه دوام یافت تا سرانجام نیروهای عراقی در مقابله با ائتلاف نظامی به رهبری آمریکا، شکست خوردند و از کویت رانده شدند (مجتهدزاده، ۱۳۸۲: ۲۳۷). یکی از شرایط آتش بس در پایان اشغال کویت، تشکیل یک کمیته مرزی از طرف سازمان ملل برای علامت‌گذاری مرزهای دو کشور بود.

طبق قطعنامه ۶۸۷ شورای امنیت - ۸ آوریل ۱۹۹۱، دبیر کل سازمان ملل متحد مأمور رسیدگی به این علامت‌گذاری شد. نکته جالب این است که با بهای سنگینی که دولت عراق برای اشغال کویت پرداخت، بسیاری بر این باور بودند که این کشور از این پس از ادعاهای ارضی خود نسبت به کویت صرف‌نظر خواهد کرد. اما هنوز یک سال نگذشته بود که عراق ادعاهای خود را از سر گرفت و از سال ۹۲ تا ۹۴ با شدت بی‌سابقه‌ای ادعاهای ارضی خود را بر کویت مطرح کرد (جعفری ولدانی، ۱۳۷۴: ۴۶). اما سرانجام مجبور گردید با خط مرزی، که سازمان ملل در سال ۱۹۹۴ ترسیم نمود، رسماً موافقت کند.

موقعیت استراتژیک مناطق مورد اختلاف است. مخصوصاً که سعودی‌ها توانستند در ساحل شرقی قطر در خورالعدید به خلیج فارس راه یابند و ارتباط زمینی قطر و امارات را قطع کرده و قطر را در محاصره خود قرار دهند. همچنین منابع غنی فسیلی این محدوده موجب طمع طرف‌های درگیر است. هر چند که در طرح ادعاهای عمان و ابوظبی نمی‌توان نقش تمایلات توسعه‌طلبانه این دولت‌ها را نادیده گرفت، اما اختلاف میان آنها بیشتر ناشی از موقعیت استراتژیک منطقه مورد مناقشه به لحاظ برخورداری از منابع طبیعی، موقعیت اقتصادی و نظامی آن است.

۳-۲-۲- اختلافات ارضی عراق و کویت

یک اختلاف ارضی در منطقه خلیج فارس که هیجان بین‌المللی زیادی به بار آورد، ادعای عراق بر کویت بود. از زمانی که کویت در ۱۹۶۱ استقلال کامل خود را از بریتانیا گرفت، عراق به طور ادواری بر اساس اینکه کویت بخشی از ایالت بصره در زمان عثمانی بوده است، ادعای حاکمیت بر این شیخ نشین داشته است. در ۱۹۶۱ قوای بریتانیا و جامعه عرب یک حمله عراق را دفع کردند. دولت عراق هیچ‌گاه به طور رسمی از ادعای خود صرف‌نظر نکرد. عراق همچنین ادعاهایی نسبت به جزایر ورهبه و بویان ابراز می‌دارد. طبق قرارداد ۱۹۳۲، این جزایر به کویت تعلق دارند (درايسدل و بلیک، ۱۳۸۲: ۱۲۱). به واقع مهم‌ترین بهانه عراق برای ضمیمه کردن کویت به خاک خود، عدم دسترسی آزادانه این کشور به خلیج فارس بود (جعفری ولدانی، ۱۳۷۸: ۱۷۷). عامل دیگری که در سیاست عراق نسبت به کویت تاثیر گذار بوده، نفت است. به طور کلی کویت ۱۰ درصد از ذخایر شناخته شده نفت جهان را در اختیار دارد. بنابراین عراق با تصرف کویت بر ۲۰ درصد از ذخایر نفت (با احتساب ذخایر خود) تسلط می‌یافت (جعفری ولدانی، ۱۳۸۹: ۶۲).

با روی کار آمدن حکومت بعثی پس از کودتای ۱۹۶۸، ادعاهای کهن حاکمیت بر کویت دنبال شد. در مارس ۱۹۷۳ گزارش‌هایی از تجاوز نیروهای عراقی به خاک کویت و

در سپتامبر ۱۹۹۲ قطر را مورد تجاوز قرار داده و بخش‌هایی از جنوب این کشور را به تصرف در آوردند که در نتیجه آن یک نظامی سعودی و دو نظامی قطری کشته شدند. این درگیری مسلحانه موجب شد، قطر در نوامبر همان سال شرکت در جلسات شورای همکاری خلیج فارس در سطح وزیران را تحریم کند. اما در ۲۰ دسامبر ۱۹۹۲ ریاض و دوحه با امضای موافقتنامه ۱۹۶۵ و اجرای آن به طور موقت بر اختلافات خود سرپوش گذاشتند و به موجب این قطعنامه عربستان سعودی چند کیلومتر از خاک خود را به قطر داد (خبرگزاری فارس، ۲/۲/۹۱).

عربستان از زمان تأسیس تاکنون همواره سیاست گسترش به طرف شرق را دنبال کرده است. یکی از رویاهای دیرینه این کشور تسلط بر تمام شبه جزیره عربستان است. عربستان مدعی است که در قرن نوزدهم شبه جزیره عربستان به طور کامل در تصرف وهابی‌ها بوده است. وقتی در فوریه ۱۹۳۸ مذاکرات مربوط به تعیین مرزهای شرقی عربستان در لندن جریان داشت، فیصل آل سعود وزیر خارجه عربستان یادداشتی به همتای انگلیسی خود ارائه داد که در آن ادعا شده بود عمان، ابوظبی، حضر موت و قسمت‌های وسیعی از قطر متعلق به این کشور است. در این یادداشت ادعای حق حاکمیت عربستان بر اساس وراثت استوار شده بود. در یکی دیگر از یادداشت‌های وزیر امور خارجه عربستان در پاسخ به یادداشت ۲۸ آوریل ۱۹۳۴ انگلیس آمده است: «سرزمین قطر و عمان مایل به انضمام به کشور ما می‌باشند، ولی ما به این خاطر که روابطمان با انگلیس تیره نشود در مقابل این امر سکوت نموده‌ایم، این شیخ‌ها به خوبی می‌دانند که در خارج از دهستان‌های خویش اختیاراتی ندارند.» به این ترتیب اختلافات ارضی عربستان با قطر، امارات عربی متحده، عمان و یمن از این سیاست توسعه‌طلبانه ناشی می‌شود. در راستای این سیاست، علیرغم پیشنهاد خطوط مرزی متعدد و انعقاد قراردادهای مرزی مختلف هنوز مرز بین قطر و عربستان مشخص نیست، زیرا این امر به نفع توسعه‌طلبی‌های عربستان است. از زمان انعقاد نخستین

با این وجود تنش‌ها تا زمان سقوط صدام در ۲۰۰۳ ادامه داشت و پس از آن نیز کمابیش ادامه دارد، مانند اختلاف بر سر ساخت بندر مبارک در جزیره بویان توسط کویت. عراق این اقدام را به مثابه بستن تنها خروجی خود به خلیج فارس دانسته و آنرا تلاش کویت برای خفه کردن عراق می‌داند. در مقابل پافشاری کویت بر ساخت این بندر، منابع رسمی در بغداد از شکایت در شورای امنیت علیه کویت در صورت ساخت بندر در جزیره بویان خبر داده‌اند. (خبرگزاری فارس، ۲۷/۵/۹۰) گرچه امروزه عراق به لحاظ سیاسی کشوری متحد و یکپارچه نیست و دچار تفرقه و جنگ داخلی شده است، اما یک عراق متحد و قوی می‌تواند ادعاهای گذشته را تکرار کرده و تهدیدی جدی برای امنیت و بقا کویت به شمار آید.

در مورد اختلافات ارضی عراق و کویت نیز می‌توان گفت، که تنگنای ژئوپلیتیکی که عراق در آن گرفتار آمده و عدم دسترسی به کرانه‌های ساحلی کافی باعث گردیده است تا کویت، به دلیل داشتن موقعیت استراتژیک منحصر به فرد به لحاظ دسترسی به دریا و انرژی به عنوان یک فضای حیاتی برای این کشور مطرح شود و همین عامل باعث گردیده است تا عراق نسبت به این کشور تمایلات توسعه‌طلبانه در پیش گرفته و با بهانه عقبه تاریخی، تمایلات توسعه‌طلبانه خود را نسبت به این کشور در بازه‌های زمانی مختلف توجیه نماید.

۳-۲-۳- اختلافات ارضی عربستان و قطر

پیشینه اختلافات مرزی و سرزمینی عربستان سعودی و قطر به اواسط قرن نوزدهم باز می‌گردد. عربستان سعودی و قطر در مورد یک نوار سرزمینی ۱۰ مایل مربعی که دارای منابع غنی نفت و گاز می‌باشد دارای اختلاف مرزی طولانی هستند (کمپ و هارکاو، ۱۳۸۳، ج: ۱، ۱۵۱). این اختلاف را باید یکی از جدی‌ترین اختلاف‌ها و درگیری‌های مرزی و ارضی بین کشورهای عرب حوزه خلیج فارس به شمار آورد که هر از چند گاهی تشدید و موجب بروز تنش میان دو کشور می‌شود که در بارزترین نمونه آن، نیروهای نظامی عربستان

فصلنامه علمی - پژوهشی اطلاعات جغرافیایی (سمر)
 تحلیل چرایی ناکامی کشورهای عربی منطقه خلیج فارس ... / ۲۱۱

و منازعه خورالعدید را که بین سه کشور امارات، عربستان سعودی و قطر، در مورد مرزهای آبی است حل کنند (روزنامه *انبار*، ۱۳۸۷/۱۰/۸). اگرچه قطر و عربستان در سال ۲۰۰۸ به توافقاتی در این زمینه رسیدند، اما این بار نیز دولت امارات عربی متحده ضمن اعتراض به کشور قطر، هرگونه تعیین مرز را در منطقه خورالعدید منوط به موافقت این کشور نمود. در کل با توجه به سیاست‌های توسعه‌طلبانه عربستان و ادعاهای امارات، روند اختلافات مذکور همچنان ادامه داشته و موافقت‌نامه مرزی ۱۹۹۲ و ۲۰۰۸ نیز ناقص و شکننده است. در قضیه عربستان با قطر به وضوح تمایلات توسعه‌طلبانه عربستان نسبت به قطر آشکار است. همچنین می‌توان موقعیت استراتژیک قطر برای عربستان را نام برد، عربستان با تصاحب قطر علاوه بر دستیابی به کرانه‌های ساحلی خلیج فارس در شبه جزیره قطر می‌تواند صاحب بزرگترین میدان گازی در حال بهره‌برداری جهان، یعنی پارس جنوبی (گنبد شمالی قطر) شود. در این راستا جمعیت وهابی قطر که هم مذهب با عربستان هستند و عقبه تاریخی این کشور که قطر در گذشته و در یک مقطع زمانی کوتاه جزء متصرفات سعودی‌ها به شمار می‌رفت (دوره دوم دولت آل سعود در اواسط قرن نوزدهم)، می‌تواند مشوق عربستان در دست‌یابی به این هدف باشد.

۳-۲-۴- اختلافات ارضی عربستان و یمن

در نیمه اول قرن بیستم یکی از مهمترین مسائل مؤثر بر روابط دو کشور، رقابت خاندان آل حمیدالدین و آل سعود

قرارداد مرزی در ژوئیه ۱۹۱۳ تا انعقاد آخرین موافقت‌نامه مرزی در دسامبر ۱۹۹۲، عربستان بیش از ۱۰۰ کیلومتر به زیان قطر به طرف شرق و ۵۰ کیلومتر به طرف شمال شبه جزیره قطر پیشروی کرده است (ولدانی، ۱۳۷۴: ۱۲۲).

به موجب این پیشروی‌ها سعودی‌ها خورالعدید را تصرف کرده و موفق شدند در شرق قطر به ساحل خلیج فارس دست یابند (منطقه ابوالخفوس). علاوه بر آن سعودی‌ها به دو هدف دیگر خود نیز دست یافته‌اند، یکی اینکه ارتباط زمینی قطر با امارات را قطع کرده و این کشور را در محاصره خود در آورده‌اند و دیگری شریک شدن در آب‌های ساحلی قطر در شرق این کشور است. منطقه ابوالخفوس از این جهت برای قطر مهم شمرده می‌شود که از این طریق می‌تواند به امارات، بزرگ‌ترین شریک تجاری خود مرتبط شود (خبرگزاری فارس، ۲۰۰۹/۲/۲). مرزهای دریایی عربستان با قطر در این منطقه و نیز در غرب قطر یعنی در خلیج سلوا که تا قبل از تهاجم عربستان به قطر در ۱۹۹۲ هنوز تعیین نشده بود، پس از تهاجم و تحت فشار عربستان تعیین گردید. قطر به موجب موافقت‌نامه مرزی منعقد در دسامبر ۱۹۹۲ ناگزیر گردید که بخشی از اراضی خود را در جنوب غربی یعنی در خلیج سلوا به عربستان واگذار نماید. در اجلاس دسامبر ۲۰۰۷ در دوحه نیز دو کشور قطر و عربستان سعی کردند تا اختلافات فی‌مابین را از میان بردارند. در جولای ۲۰۰۸ عربستان و قطر موافقت کردند تا مرزهای دریایی خود را مشخص کنند (نقشه ۲)



نقشه ۲: موافقت‌نامه دسامبر ۱۹۹۲؛ تعیین مرز دریایی در خلیج سلوا (غرب قطر) و ۲۰۰۸ در خورالعدید (شرق قطر)

مأخذ: <http://www.stockphotos.ro/qatar-political-map-image62735384.html>

بکاهد. (جعفری ولدانی، ۱۳۷۴: ۲۴) مجموعه این عوامل باعث گردیده است عربستان سیاست فعالی را در قبال یمن و آن هم در جهت تضعیف و تجزیه آن دنبال کند. این کشور در سال ۱۹۹۰ بزرگترین مخالف وحدت یمن بود و در جنگ داخلی ۱۹۹۴ جانب تجزیه طلبان را گرفت. افزون بر این عربستان از فعالیت شرکت‌های نفتی در سرزمین‌های یمن جلوگیری می‌کرد و عملیات اکتشاف نفت در یمن را با هشدار دادن به این شرکت‌ها با مانع مواجه می‌ساخت.

در ماه ژوئن سال ۲۰۰۰، عربستان سعودی و یمن قرارداد مرزی دیگری بر اساس مرز تعریف شده توسط توافقنامه طائف در سال ۱۹۳۴ به امضا رساندند (Murphy, 2006). دولت یمن در راستای کاهش تنش‌ها و مداخلات عربستان در امور یمن، توافقنامه جده را در سال ۲۰۰۰ با عربستان امضاء کرد. دولت یمن با امضای توافقنامه جده نه تنها توافقنامه طائف را رسمیت بخشید، بلکه تمامی اختلافات مرزی دو کشور را بر اساس همان توافقنامه به پایان رساند (صادقی و احمدیان، ۱۳۸۹: ۲۱۱). در این توافقنامه موضوع استخراج منابع زیرزمینی به مذاکرات میان دو طرف موکول شده و اساساً راه‌حل نهایی برای آن تعریف نشده است (همشهری آنلاین، ۱۳۸۹/۱۶).

در کل می‌توان گفت گرچه عربستان با انعقاد توافقنامه جده، شرایط خود را به یمن تحمیل کرد و به آنچه می‌خواست رسید، اما تنش‌های بین دو کشور از بین نرفت و در سطح بالایی باقی ماند. ارتش عربستان در ۵ نوامبر ۲۰۰۹ به دنبال کشته شدن یک مرزبان عربستانی در خطوط مرزی این کشور با یمن مستقیماً در جنگ داخلی یمن در سال ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ علیه حوثی‌ها وارد عمل شد. همچنین در سال ۲۰۱۵ پس از تصرف صنعا توسط نیروهای حوثی و فرار منصور هادی رئیس جمهوری مستعفی از یمن، عربستان سعودی با تشکیل یک ائتلاف منطقه‌ای برای بازگرداندن قدرت به رئیس جمهور هادی به این کشور حمله نمود. تا زمان نگارش مقاله در اکتبر ۲۰۱۵ جنگ در یمن ادامه دارد. موقعیت یمن به خاطر همجواری با تنگه باب‌المندب، بسیار استراتژیک است؛ بیشتر نفت دنیا از طریق این آبراه حمل

برای بسط نفوذ و حیطة اعمال قدرت خود در شبه جزیره عرب بود. این رقابت و اختلاف بر سر مناطق مرزی و سرزمین‌های دو طرف بین دو پادشاهی، سرانجام منجر به لشکر کشی امام یحیی به عربستان برای بازستانی سرزمین‌های مورد ادعای این پادشاهی که در کنترل آل سعود بود شد. در نتیجه جنگی که در اوایل دهه ۱۹۳۰ رخ داد، یمن شکست خورد و با میانجیگری کشورهای عربی، توافق نامه‌ای بین دو کشور امضاء شد که کنترل سرزمین‌های مورد ادعای یمن و نیز سرزمین‌های دیگری در مناطق جیزان، عسیر و نجران را به عربستان سعودی سپرد (Cordesman, 2003, 64).

این نخستین توافقنامه میان دو طرف موسوم به طائف بود که در سال ۱۹۳۴ امضاء شد و هر ۲۰ سال تمدید می‌شد. پس از امضای توافقنامه طائف تمامی تحولاتی که در روابط یمن و عربستان رخ داده، متأثر از این توافقنامه و در جهت تقویت یا تضعیف آن رخ داده است. از سوی سعودی‌ها در صدد نهایی کردن این توافقنامه و تعیین مرزهای دو کشور بر اساس آن بودند و از سوی دیگر یمنی‌ها با استناد به بندی در این توافقنامه، آن را موقت می‌دانستند و از پذیرش آن به عنوان اساس تعیین مرزها خودداری می‌کردند (صادقی و احمدیان، ۱۳۸۹: ۲۷۰).

در واقع اختلافات بین دو کشور تنها محدود به چند کیلومتر مرز مشترک نمی‌شود، بلکه مناطق وسیعی را در بر می‌گیرد. یمن نسبت به سه استان نفت خیز عسیر، نجران و جیزان که هم اکنون توسط عربستان اداره می‌شود، ادعای ارضی دارد و از طرف دیگر ادعاهای ارضی عربستان نسبت به یمن بسیار گسترده‌تر است، به طوری که دو سوم یمن را در بر می‌گیرد. علاوه بر وجود مناطق نفت خیز، موقعیت استراتژیک برخی مناطق، اختلاف بین دو کشور را تشدید کرده است، مانند استان حضر موت یمن که به علت قرار گرفتن در کنار اقیانوس هند از اهمیت استراتژیکی برخوردار است. (نقشه ۳) علاوه بر آن حضر موت یکی از حاصل خیزترین و غنی‌ترین مناطق یمن از لحاظ ذخایر نفت می‌باشد. عربستان با تسلط بر این منطقه می‌تواند علاوه بر تصاحب نفت از اتکای خود به تنگه هرمز و باب‌المندب

می‌شود. نگرانی عربستان سعودی این است که تسلط کامل حوثی‌های مورد حمایت ایران بر یمن، دسترسی آزاد به این آبراه را مختل کرده و علاوه بر کاستن از نفوذ منطقه‌ای عربستان، می‌تواند به اختلافات دیرینه با این کشور از جمله اختلافات مرزی دامن بزند.

بنابراین با توجه به عوامل یاد شده می‌توان گفت که موقعیت استراتژیک مناطق نفت‌خیز مورد مناقشه به خصوص در استان‌های عسیر، نجران و جیزان عامل اصلی تحرک هر یک از دو کشور علیه یکدیگر است و گرچه دو کشور به واسطه قرارداد جدّه، اختلافات مرزی را حل و فصل کرده‌اند، اما بر سر چگونگی اجرای آن و استحصال منابع معدنی در مناطق مرزی اختلاف نظر دارند. در این میان نمی‌توان سیاست‌های توسعه طلبانه دو کشور علیه یکدیگر و به خصوص عربستان سعودی را نادیده گرفت. این کشور به دلیل ادعای تاریخی خود بر تمامی جزیره‌العرب تمایل چندانی به حل و فصل ریشه‌ای اختلافات ندارد. عربستان تاکنون، بیش از ۲۰ توافقنامه مرزی با همسایگان خود امضا کرده که اغلب آنها اساساً یا اجرا نشده‌اند یا نیمه‌تمام رها شده‌اند و برای توافق ۱۹۳۴ طائف و ۲۰۰۰ جدّه هم سرنوشتی بهتر از بقیه نمی‌توان انتظار داشت.

بنابراین با توجه به عوامل یاد شده می‌توان گفت که موقعیت استراتژیک مناطق نفت‌خیز مورد مناقشه به خصوص در استان‌های عسیر، نجران و جیزان عامل اصلی تحرک هر یک از دو کشور علیه یکدیگر است و گرچه دو کشور به واسطه قرارداد جدّه، اختلافات مرزی را حل و فصل کرده‌اند، اما بر سر چگونگی اجرای آن و استحصال منابع معدنی در مناطق مرزی اختلاف نظر دارند. در این میان نمی‌توان سیاست‌های توسعه طلبانه دو کشور علیه یکدیگر و به خصوص عربستان سعودی را نادیده گرفت. این کشور به دلیل ادعای تاریخی خود بر تمامی جزیره‌العرب تمایل چندانی به حل و فصل ریشه‌ای اختلافات ندارد. عربستان تاکنون، بیش از ۲۰ توافقنامه مرزی با همسایگان خود امضا کرده که اغلب آنها اساساً یا اجرا نشده‌اند یا نیمه‌تمام رها شده‌اند و برای توافق ۱۹۳۴ طائف و ۲۰۰۰ جدّه هم سرنوشتی بهتر از بقیه نمی‌توان انتظار داشت.

بنابراین با توجه به عوامل یاد شده می‌توان گفت که موقعیت استراتژیک مناطق نفت‌خیز مورد مناقشه به خصوص در استان‌های عسیر، نجران و جیزان عامل اصلی تحرک هر یک از دو کشور علیه یکدیگر است و گرچه دو کشور به واسطه قرارداد جدّه، اختلافات مرزی را حل و فصل کرده‌اند، اما بر سر چگونگی اجرای آن و استحصال منابع معدنی در مناطق مرزی اختلاف نظر دارند. در این میان نمی‌توان سیاست‌های توسعه طلبانه دو کشور علیه یکدیگر و به خصوص عربستان سعودی را نادیده گرفت. این کشور به دلیل ادعای تاریخی خود بر تمامی جزیره‌العرب تمایل چندانی به حل و فصل ریشه‌ای اختلافات ندارد. عربستان تاکنون، بیش از ۲۰ توافقنامه مرزی با همسایگان خود امضا کرده که اغلب آنها اساساً یا اجرا نشده‌اند یا نیمه‌تمام رها شده‌اند و برای توافق ۱۹۳۴ طائف و ۲۰۰۰ جدّه هم سرنوشتی بهتر از بقیه نمی‌توان انتظار داشت.

۳-۲-۵- اختلافات ارضی عربستان با کویت و عراق

اختلافات کویت و عربستان به اوایل قرن بیستم و



نقشه ۳: مناطق مورد ادعای کشورهای عربستان سعودی و یمن نسبت به یکدیگر

دو کشور رخ داد. این دو واقعه که تحت تأثیر عملیات گسترده نظامی، بازتاب قابل توجهی نداشت، بسیار حایز اهمیت بود. واقعه نخست در ژانویه ۱۹۹۱ که نیروهای متحدین غربی به رهبری امریکا از شمال شرقی عربستان به عراق حمله کردند، روی داد. در این زمان عراق تمام معاهدات بین‌المللی خود را که از سال ۱۹۶۸ با عربستان منعقد کرده بود، لغو نمود. این اقدام عراق موافقت‌نامه‌های مرزی ۱۹۷۵ (در مورد تقسیم منطقه بیطرف با یک خط کاملاً مساوی که هرگز به تصویب نرسید) و موافقت‌نامه ۱۹۸۱ (این موافقت‌نامه که در بحبوحه جنگ ایران و عراق به امضاء رسید، تعیین حدود بین عراق و عربستان را قطعی و تثبیت کرد و شامل مقرراتی برای تقسیم منطقه بی‌طرف بین دو کشور بود و به ۶۰ سال ابهام و تردید در مورد ۸۵۱ کیلومتر مرز مشترک پایان می‌داد) را در بر می‌گرفت (مجتهدزاده، ۱۳۸۲: ۲۲۳).

واقعه دوم که در تاریخ عربستان بی‌سابقه بود، به دنبال واقعه نخست روی داد. عربستان در تابستان ۱۹۹۱ تمامی اسناد معاهدات مرزی خود را با عراق در سازمان ملل متحد به ثبت رسانید. این برای نخستین بار بود که پادشاهی سعودی معاهدات مرزی خود را به ثبت می‌رسانید. لغو قراردادهای مرزی بین عربستان و عراق در منطقه خلیج فارس نشان داد که قراردادهای مرزی در منطقه خلیج فارس قطعی و دائمی نیستند (ولادانی، ۱۳۷۴: ۱۰۹).

ایران و عراق نسبت به این توافقنامه معترض می‌باشند. آنچه باعث اعتراض ایران نسبت به این توافقنامه و تحدید مرز می‌باشد، این است که در ماده یک این توافقنامه پس از اشاره به مختصات این چهار نقطه آمده است: از نقطه ۴ خط تقسیم دریای مجاور منطقه تقسیم شده، در جهت شرق ادامه خواهد داشت. با توجه به اینکه این نقطه دارای مختصات ۲۸ درجه و ۵۶ دقیقه و ۶ ثانیه عرض جغرافیایی و ۴۹ درجه و ۲۶ دقیقه و ۴۲ ثانیه طول جغرافیایی است، در نتیجه نقطه مزبور از خط میانه خلیج فارس عبور کرده و عملاً توافق ایران و انگلیس (مسئول سیاست خارجی اعراب) در سال ۱۹۶۵ را نقض کرده است. این در حالی است که دو دولت عربستان و کویت در این توافقنامه حتی پیشروی از این نقطه به سمت شرق را نیز مدنظر قرار داده‌اند. همچنین با توجه به اینکه دو کشور کویت و عربستان توافق کرده‌اند که از منابع بستر و زیر بستر دو طرف مرز به طور مشترک استفاده کنند، در این صورت عملاً پای عربستان به منابع مشترک نفتی و گازی بین کویت و ایران مثل میدان آرش باز می‌شود. ایران نسبت به این تحدید حدود معترض است و اعتراض نامه‌ای را به سازمان ملل ارسال نموده و اعتراض خود را به اطلاع دو کشور کویت و عربستان رسانده است (میرحیدر و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۴). در مورد تحولات مرزهای عربستان با عراق؛ در جریان بحران خلیج فارس دو واقعه عمده در رابطه با مرزهای بین



نقشه ۴: مناطق بی‌طرف میان عربستان با عراق و عربستان با کویت و تقسیم آنها در سال‌های ۱۹۸۱ و ۲۰۰۰

مأخذ: http://opinionator.blogs.nytimes.com/2012/05/01/put-it-in-neutral/?_r=0

الزبارة، جزایر جنان از جمله حد جنان و ارتفاعات جزری فشت الدبال و بحرین بر جزایر حوار و آبتل الجراده حاکمیت دارد. علاوه بر این کشتی‌های قطر می‌توانند در دریای سرزمینی بحرین که جزایر حوار را از بحرین جدا می‌کند، از حق عبور بی‌ضرر مطابق با قوانین و رسوم بین‌الملل استفاده کنند. همچنین دیوان به ترسیم خط مرز دریایی بین دو کشور نیز اقدام کرد (میرحیدر و دیگران، ۱۳۸۶). در واقع این اختلاف، تنها اختلاف ارضی بین دو کشور عربی است که توسط دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) حل شد (نقشه ۵). این نشان می‌دهد که دخالت دادگاه (ICJ) می‌تواند یک کارگزار مؤثر صلح در منطقه در بحث اختلافات ارضی باشد. (Wiegand, 2012, 93-109) اما اختلافات مرزی در سال ۲۰۱۰ دوباره بالا گرفت، در این سال توقیف شناورهای ماهیگیری برخی از کشورهای عضو به اتهام ماهیگیری در آب‌های مرزی یا حریم آب‌های کشور مجاور توسط بحرین، باعث اختلاف بحرین و قطر در این زمینه و اعتراض قطر گردید. در این میان بحرین از شورای همکاری خلیج فارس (GCC) درخواست کرد به حل این اختلاف کمک کند. (خبرگزاری موج، ۳ مرداد/۱۳۸۹)

در خصوص این اختلاف، گرچه تمایلات توسعه‌طلبانه ارضی میان دو همسایه نسبت به بخش‌هایی از خاک یکدیگر (قطر بر جزایر حوار و بحرین بر زبارة) مشهود بود، اما موقعیت استراتژیک جزایر توریستی حوار که دارای منابع نفتی نیز می‌باشند، بیشترین عامل را در ایجاد اختلاف میان دو کشور داشته است. در واقع موضوع اختلافات حوار زمانی آغاز شد که شرکت نفت بحرین و شرکت امتیاز نفتی با مسئولیت محدود (شعبه شرکت نفت ایران و انگلیس) در سال ۱۹۳۶ برای کسب حقوق اکتشاف در بستر دریایی نواحی میان بحرین و شبه جزیره قطر با حاکم بحرین وارد مذاکره گردیدند.

۳-۲-۷- اختلافات ارضی و مرزی مابین امیرنشین‌های امارات متحده عربی

امارات عربی متحده به ندرت متحد بوده است. تاکنون حدود دو سوم از اختلافات ارضی میان امیرنشین‌های امارات

نکته جالب این واقعه، سیاست‌های متفاوت عربستان در قبال همسایگانش است. در حالی که این کشور به دلیل ادعاهای ارضی که بر شیخ‌نشین‌های خلیج فارس دارد در راستای سیاست توسعه‌طلبی، هرگز مایل به انعقاد یک قرارداد پایدار و حل و فصل اختلافات مرزی با آنها نیست، اما در مورد عراق بعد از جنگ دوم خلیج فارس به دلیل تهدیدات نظامی و توسعه‌طلبی صدام، خود پیش قدم گردید، تا معاهدات گذشته خود را به ثبت رسانده و به آنها رسمیت بخشد.

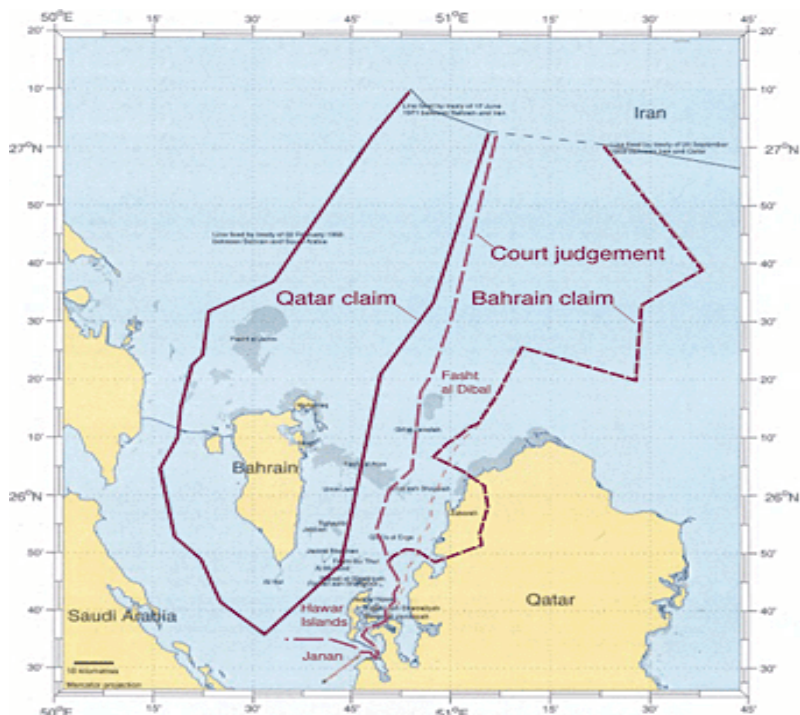
۳-۲-۶- اختلاف قطر و بحرین بر سر جزایر حوار

ادعاهای متقابل بحرین و قطر نسبت به مالکیت مجمع الجزایر حوار در نزدیکی شبه جزیره قطر یکی از عمده‌ترین اختلافات بود. اختلافات بحرین و قطر در مورد جزایر حوار طی سال‌های متممادی، بی‌آنکه فضای کلی مناسبات طرفین را تحت تأثیر قرار دهد، ادامه داشت. تا اینکه در سال ۱۹۸۶ دو کشور را در آستانه جنگی تمام عیار قرار داد. در بهار سال مزبور قطر به تصرف فشت الدیبال دست زد و کل نواحی اطراف حوار را منطقه نظامی اعلام کرد (مجتهدزاده، ۱۳۸۲: ۲۱۲). با مداخله شورای همکاری خلیج فارس، قطر دیبال را تخلیه کرد و طرفین به تدارک طرح دعوا در یک داوری بین‌المللی پرداختند. در دسامبر ۱۹۹۰، شورای همکاری به طرفین توصیه کرد تا در مدت ۶ ماه قضیه را بدون ارجاع به داوری حل و فصل کنند. در حالی که دو کشور نتوانستند به راه حل مورد رضایت طرفین دست یابند، قطر در آوریل ۱۹۹۲ عرض آب‌های ساحلی خود را از ۳ به ۱۲ مایل دریایی افزایش داد که جزایر حوار را کاملاً در بر می‌گرفت. این اقدام به کشمکش پیچیده میان دو شیخ‌نشین بعد تازه‌ای بخشید (مجتهدزاده، ۱۳۸۲: ۲۱۵).

سرانجام موضوع به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع داده شد و این دیوان در سال ۱۹۹۵ با بررسی اختلاف این دو کشور موافقت کرد. این دیوان پس از بررسی ادعاهای دو کشور سرانجام در ۱۶ مارس ۲۰۰۱ رأی خود را در خصوص مناقشات سرزمینی و وضعیت مرز دریایی بین این دو کشور صادر کرد. طبق رأی دیوان، قطر بر روی منطقه

نقشه ۵: خط مرزی منعقد شده میان قطر و بحرین توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در مارس ۲۰۰۱

مأخذ: <http://www.catnaps.org/islamic/history.html>



متحدۀ عربی حل و فصل شده است. با این حال هنوز در امارات

متحدۀ عربی ۱۲ مورد اختلافات ارضی و مرزی وجود دارد که به کرات سبب بروز مناقشه بین آنها شده است. دعوای میان شارجه و فجیره باعث قتل ۳۰ نفر در مه ۱۹۷۹ شد. در ۱۹۸۰ کمیسیونی برای حل اختلافات تشکیل شد، اما هنوز اصطکاک ادامه دارد. اختلاف شارجه و دبی در اوت ۱۹۷۶ نزدیک بود که منجر به خونریزی شود. دیگر اختلافات حل نشده مربوط به اختلاف قدیمی در مورد نفت است. به عنوان مثال شارجه یک میدان نفتی از ام‌القوین را در سال ۱۹۷۱ گرفت و ام‌القوین اکنون دارای سهم سوم در این میدان نفتی پس از شارجه و ایران می‌باشد (ولدانی، ۱۳۷۱: ۲۳۹).

۴- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اختلافات ارضی و مرزی در خلیج فارس در سطح بسیار بالایی مشاهده می‌شود (نقشه ۶). اگرچه یکی از عوامل آن را تشکیل حکومت‌های محلی (شیخ‌نشین‌ها) در سواحل خلیج فارس، ناشی از کوچ قبایل از شبه جزیره و سکونت آنها در کرانه‌های جنوبی خلیج فارس می‌دانند، که این قبایل همواره با یکدیگر در رقابت و دشمنی بوده و منجر به جنگ و زد و خورد میان آنها می‌شده است، اما حضور استعمارگران اروپایی، به خصوص بریتانیایی‌ها که از اوایل قرن نوزدهم کنترل منطقه را در دست گرفتند و تمامی مرزهای منطقه توسط آنها و در راستای منافع و مطامع امپریالیستی‌شان تعیین گردید، در شکل‌گیری اختلافات تأثیر به‌سزایی داشت. بریتانیا پس از فروپاشی امپراطوری عثمانی نه تنها بازیگر اصلی در ترسیم مرزهای منطقه بوده، بلکه نقش اساسی را در ایجاد کشورهای این حوزه مانند عربستان سعودی، عراق، کویت، قطر، امارات متحدۀ عربی و بحرین را داشته است. این اختلافات تا سال ۱۹۷۱ که

بین عمان و عجمان یک منطقه مشترک وجود دارد که هنوز تقسیم نشده است. بین عمان و رأس الخیمه نیز در مورد مرز دریایی اختلاف نظر وجود دارد. همچنین در مورد تقسیم فلات قاره دو کشور تاکنون توافقی صورت نگرفته است.

این اختلافات اگر چه ریشه‌ای تاریخی دارند و بیشتر ناشی از قلمروخواهی و زیاده‌خواهی‌های شیوخ این قبیله‌ها و جنگ‌های قومی و قبیله‌ای بوده است، اما علت تداوم آنها در عصر حاضر موقعیت خاص استراتژیک آنها به لحاظ

نقشه ۶: نقشه کلی اختلافات ارضی و مرزی پایدار (حل نشده) در منطقه خلیج فارس (پیکان های قرمز رنگ نشان دهنده مکان های مورد اختلاف و ادعاهای طرفین می باشد و جهت پیکان ها نشان دهنده کشور مدعی است)



است درباره یک نکته اساسی تأکید کند و آن وضع غیر طبیعی سیستم سیاسی امروزه خلیج فارس است که در قرن نوزدهم به وسیله امپراطوری انگلیس مستقر شده است... باید اقرار نمود که این بنای یادبود دوران امپراطوری دیگر رژیم نیست که هم آهنگ با احتیاجات و خواست های منطقه خلیج فارس باشد... عربستان سعودی جداً معتقد است که اگر دخالت انگلیسی ها در میان نبود مشکل واقعی در مورد این سرحدات به وجود نمی آمد.»

بنابراین تجاوز عربستان به یمن و اشغال ناحیه عسیر، تجاوز نظامی به ابوظبی و عمان و اشغال ناحیه بوریمی، تجاوز به قطر و اشغال جنوب این کشور و مطامع ارضی این کشور نسبت به کویت از این سیاست ناشی می شود. هرچند عربستان سعودی ترجیح می دهد به جای توسل به نیروی نظامی و جنگ بیشتر از طریق مسالمت آمیز به اهداف خود دست یابد و به عبارت دیگر تلاش می کند تا از طریق همگرایی منطقه ای به سیاست خود جامعه عمل ببوشاند، اما موارد متعدد توسل به زور و نیروی نظامی نشان دهنده تمایلات قوی توسعه طلبانه این کشور است. تجاوزات عراق به همسایگانش در زمان صدام نیز در راستای سیاست های توسعه طلبانه بغداد به علت گرفتار آمدن در تنگنای ژئوپلیتیکی-استراتژیکی و منافع اقتصادی

بریتانیا از خلیج فارس خارج شد و تمامی کشورهای منطقه به استقلال دست یافتند، مجال ظهور و نمود عینی نیافت و همچنان لاینحل باقی ماند. اما پس از آن اختلافات ارضی و مرزی بین دولت های بزرگ و کوچک منطقه سر باز کرد و منجر به منازعات و جنگ های متعددی میان کشورهای این حوزه گردید و بیشتر این اختلافات تا به امروز همچنان به قوت خود باقیست.

در این میان عوامل چندی را می توان در به اجماع نرسیدن کشورهای منطقه برای ایجاد یک راهکار و راه حل نهایی و پایدار برای حل و فصل اختلافات مرزی میان خود نام برد. اما استدلال این مقاله بر دو عامل مهم و تأثیرگذار در این زمینه می باشد؛ یکی تمایلات توسعه طلبانه کشورهای عربی حوزه خلیج فارس در قبال یکدیگر و دیگری موقعیت استراتژیک مناطق مورد مناقشه به لحاظ کشف نفت و موقعیت نظامی. نمونه های عینی عربستان سعودی و عراق و تا حدی کمتر سایر شیخ نشین ها هستند. در این زمینه یکی از رویاهای دیرینه عربستان سعودی استیلا بر تمام جزیره العرب می باشد. عربستان سعودی از زمان تأسیس خود، این اندیشه را رها نکرده و هرگز آن را کتمان نیز ننموده است. این کشور در این زمینه سیاست خود را به صراحت چنین اعلام نموده است؛ «عربستان سعودی مایل

مانند تصاحب درآمد نفت کویت و خوزستان ایران قابل ارزیابی است. این دو عامل با شدت کم و زیاد در مورد سایر شیخ‌نشین‌های خلیج فارس قابل تسری است. به گونه‌ای که اختلاف عمان و ابوظبی بر سر واحه‌های بوریمی ناشی از موقعیت استراتژیک آن به لحاظ وجود نفت است. یا اختلاف قطر و بحرین بر سر جزایر حواری که از زمان واگذاری امتیاز استخراج نفت بروز کرد. همچنین ادعاهای یمن بر منطقه عسیر که منطقه ای نفت خیز است و یا ادعای عربستان بر دو سوم خاک یمن به علت موقعیت استراتژیک آن به لحاظ ارتباطی و نظامی و بسیاری دیگر که علاوه بر موقعیت استراتژیک مناطق، اهداف و مقاصد توسعه طلبانه کشورهای منطقه را نیز به نمایش می‌گذارد، در قالب این دو عامل قابل ارزیابی است.

منابع و مآخذ

- احمدی، حمید (۱۳۸۸)، ریشه‌های بحران در خاورمیانه، تهران: سازمان انتشارات کیهان
- اسدی، بیژن (۱۳۸۵)، خلیج فارس و مسائل آن؛ تهران: انتشارات سمت، چاپ نهم
- افشردی، محمدحسین و همکاران (۱۳۹۳)، تبیین شاخص‌های مؤثر در مدیریت مرزها، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۳۴، تابستان ۱۳۹۳، صص ۱-۳۵
- افکار نیوز، «نگاهی به اختلافات رژیم‌های عربی حوزه خلیج فارس»، ۱ اردیبهشت ۹۱، قابل بازیابی در: <http://www.afkarnews.ir/vdcfjxd1.w6dctagiiw.html>
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۷۴)، تحولات مرزها و نقش ژئوپلیتیک آن در خلیج فارس، تهران: نشر قومس
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۷۱)، کانون‌های بحران در خلیج فارس، تهران: سازمان انتشارات کیهان
- جعفری ولدانی، حق شناس کاشانی؛ اصغر، نیلوفر (۱۳۷۲)، «اختلافات ارضی و مرزی بین دولت‌های خلیج فارس و تأثیر آن بر امنیت مرزهای منطقه»، مجموعه مقالات سومین سمینار بررسی مسائل خلیج فارس، تهران: نشر وزارت امور
- خارجی، ۱۳۷۲
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۷)، نقش انگلستان در تحدید مرزهای عراق و کویت به روایت اسناد وزارت خارجه انگلیس، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۱۳، پاییز و زمستان ۱۳۷۸، صص ۱۹۶-۱۶۳
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۹)، نقش تنگناهای ژئوپلیتیکی عراق در اشغال کویت، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۸۹، صص ۶۹-۴۵
- حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۷۹)؛ مبانی مطالعات سیاسی-اجتماعی، قم: سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور، جلد اول
- خبرگزاری موج، «اختلافات مرزی بحرین با قطر بالا گرفت»، ۳ مرداد ۸۹، قابل بازیابی در: <http://www.ghatreh.com/news/mn0523879>
- خبرگزاری فارس، نگاهی به اختلافات رژیم‌های عربی حوزه خلیج فارس-۲»، ۹۱/۲/۲، قابل بازیابی در: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13910201000027>
- درایسدل، بلیک؛ آلاسیدر، جرالد اچ (۱۳۸۶)؛ جغرافیای سیاسی خاور میانه و شمال آفریقا؛ ترجمه دره میرحیدر؛ تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، چاپ پنجم.
- رضایی، مسعود؛ «اختلافات کشورهای ساحلی حوزه خلیج فارس»، سایت مرکز مطالعات خلیج فارس، قابل بازیابی در: <http://www.persiangulfstudies.com/fa/index.asp?p=pages&id=83>
- روزنامه ابتکار، «گزارش «میس» از موانع اجرای پروژه‌های جمعی انرژی در جنوب خلیج فارس: کشورهای عربی دست به دامن ایران شدند»؛ شماره ۱۳۷۴، سال پنجم، ۷ دی ۱۳۸۷
- زرقانی، سید هادی (۱۳۸۶)، مقدمه‌ای بر شناخت مرزهای بین‌المللی، تهران: دانشگاه علوم انتظامی
- صادقی، احمدیان؛ حسین، حسن (۱۳۸۹)، «دگرگونی جایگاه منطقه ای یمن: امکانات و چالش‌ها»؛ راهبرد، شماره ۵۶، پائیز ۸۹

- همسایگان»؛ ۱۶ آذر ۹، قابل بازیابی در: <http://www.hamshahrionline.ir/details/۲۴۱۵۸۶>
- 30- Bacik Gokhan. (2008) Hybrid Sovereignty in the Arab Middle East: the Cases of Kuwait, Jordan, and Iraq. USA: Palgrave MacMillan
- 31- Cordesman, Anthony H. (2003). Saudi Arabia Inters The Twenty- First Century: The Political Foreign Policy, Economic And Energy Dimensions. Washington D.C: Preager Publishers.
- 32- Findlay, A. M. (1994) the Arab World. London and New York: Routledge.
- 33- Harbottle, Michael. In: Clive H. Schofield (Editor), (2002) Global Boundaries, World Boundaries volume 1. Taylor & Francis e-Library, London and New York.
- 34- Mojtahed Zadeh, Pirouz. (1999). Security And Territoriality In The Persain Golf. Amaritime Political Geography, Curzon Press.
- 35- Murphy, Chris. (2006) Saudi Arabia - Yemen Border Dispute. ICE Case Studies Number 197, Nov., 2006 <http://www1.american.edu/ted/ice/saudi-yemen.htm>.
- 36- Owen, R. (1992) State, Power and Politics in the Making of the Modern Middle East. London and New York: Routledge.
- 37- Saudi travel restrictions a result of disputed map on UAE national ID cards (26 August 2009) https://www.dur.ac.uk/ibru/news/boundary_news/?itemno=8601&rehref=%2Fibru%2Fnews%2F&resubj=Boundary+news%20Headlines
- 38- Wiegand, Krista E. (2012). Bahrain, Qatar, and the Hawar Islands: Resolution of a Gulf Territorial Dispute((The Middle East Journal, Volume 66, Number 1, Winter 2012, pp. 79-96
- 39- http://www.public.iastate.edu/~pol_s.251
- 40- <http://www.stockphotos.ro/qatar-political-map-image62735384.html>
- 41- http://opinionator.blogs.nytimes.com/2012/05/01/put-it-in-neutral/?_r=0
- 42- <http://www.catnaps.org/islamic/history.html>
- 43- <https://www.google.com/earth>

۱۸. طاهرخانی، مهدی (۱۳۸۷)، ارزیابی و توسعه راهبردی ظرفیت های اقتصادی اجتماعی مناطق مرزی، تهران: دفتر برنامه ریزی توسعه روستایی وزارت جهاد کشاورزی
۱۹. غفاری، حنیف، «اختلافات مرزی در حوزه خلیج فارس»؛ روزنامه رسالت، شماره ۷۰۲۰ به تاریخ ۸۹/۴/۷، صفحه ۲ (سیاسی)
۲۰. قالیباف، یاری شگفتی، رمضانزاده؛ محمدباقر، اسلام، مهدی (۱۳۸۷)، «تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی بر امنیت مرزها (مورد: بخش مرزی نوسود شهرستان پاوه استان کرمانشاه)، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهارم، شماره دوم، تابستان ۸۷
۲۱. کامروا، مهران (۱۳۸۵)، خاورمیانه معاصر، ترجمه محمدباقر قالیباف و سیدموسی پورموسوی، تهران: نشر قومس
۲۲. کمپ، هارکاو؛ جفری، رابرت (۱۳۸۳)، جغرافیای استراتژیک خاورمیانه، ترجمه مهدی حسین متین؛ تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، جلد اول
۲۳. مجتهد زاده، پیروز (۱۳۷۹)، خلیج فارس، کشورها و مرزها؛ تهران انتشارات عطایی
۲۴. مجتهد زاده، پیروز (۱۳۸۲)، کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس، ترجمه حمیدرضا محمدی نوری؛ تهران: انتشارات وزارت امور خارجه
۲۵. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۶)، امنیت و مسائل سرزمینی در خلیج فارس؛ تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه
۲۶. محرابی، علیرضا (۱۳۸۸)؛ «ژئوپلیتیک خلیج فارس و واگرایی کشور های ساحلی»، مجموعه مقالات همایش ملی جایگاه خلیج فارس در تحولات استراتژیک جهان، تهران: نشر مؤسسه گیتاشناسی ۱۳۸۸
۲۷. میرحیدر، دره و دیگران (۱۳۸۶)، «روند قلمروسازی کشورهای ساحلی در بستر خلیج فارس» فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سوم، شماره اول، بهار ۱۳۸۶
۲۸. میرحیدر، دره (۱۳۸۷)، مبانی جغرافیای سیاسی، تهران: انتشارات سمت، چاپ نهم
۲۹. همشهری آنلاین، «اختلافات مرزی عربستان با

Archive of SID